



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۲۰

نوشته بارک اوباما  
ترجمه محمد جواد رحیمی

## معمای کشته شدن بن لادن

وباما در کتاب جدید خود پیرامون چگونگی ردیابی بن لادن، طرح عملیات خاص بالای خانه او، کشته شدن او و به دریا انداختن جسد او، واقعیت های ناگفته را نوشته است که من آنرا ترجمه نموده با شما شریک می نمایم! بارک اوباما، در فصل ۲۷ کتاب جدید اش، (سرزمین موعود یا وعده داده شده) که دیروز به نشر رسید، داستان ردیابی و کشته شدن بن لادن را به تفصیل بیان نموده که من نکات مهم آنرا مختصراً با شما نیز شریک می کنم. آقای اوباما چنین می نویسد: یک روز قبل از نهمین سالروز حملات یازدهم سپتامبر، لیون پنیتا که آن زمان رئیس سی آی ای بود با معاونش مایک مورل از من درخواست ملاقات کردند. در جلسه، لیون پنیتا برایم گفت که معلومات ابتدایی آنها نشان می دهد که سرنخ برای پیدا شدن اسامه بن لادن پیدا کرده اند. آنها برای اوباما توضیح دادند که با تحلیل هزاران بخش از معلومات، کسی را بنام ابو احمد الکویتي شناسایی کرده اند که نقش قاصد برای القاعده را داشته و با بن لادن نیز رابطه دارد. آنها تلفون ها و سایر چینل های ارتباطی او را زیر نظارت گرفتند و سر انجام یک خانه را تشخیص دادند که در سی و پنج کیلو متری شمال پاکستان و در شهر ایبت آباد موقعیت دارد. طبق حرف های مایک معاون پنیتا، بزرگی و ساختمان خانه نشان می دهد که کدام شخص مهم و یا یکی از بزرگان القاعده در آن زندگی می کند. پنیتا ادامه داده می گوید آنها با جابجا کردن وسایل نظارت کننده، خانه را زیر نظارت دارند و کشفیات جدید خود را با اوباما شریک خواهند کرد.

اوباما می گوید، وقتی آنها رفتند، من با خود فکر می کردم که در آن خانه ممکن هر کسی زندگی کند حتی کدام مقام بلند پایه القاعده و یا شخص بن لادن. در ۱۴ ماه دسمبر، لیون پنیتا و مایک مورل دوباره آمدند و یک افسر سی آی ای را نیز با خود آوردند. آن افسر رئیس مرکز مبارزه با تروریسم سی آی ای و آمر تیم ردیابی بن لادن بود. آنها جریان ردیابی و شناسایی خانه که در ایبت آباد واقع بود، برایم تشریح دادند. شیخ ابو احمد الکویتي آن خانه را با نام مستعار خریداری کرده بود و آن خانه با شکل غیر معمول، دیوارهای بلند و هشت برابر بزرگتر از خانه های دور بر آن بود. در آن خانه هیچ تلفون و یا انترنت وصل نبود و ساکنین آن خانه هیچگاهی بیرون نمی شدند، کثافات خانه را می سوزاندند اما تعداد و سن اطفال آن خانه با معلومات فامیلی بن لادن مطابقت داشت. طبق وسایل نظارتی ما، در آن خانه یک مرد قد بلند حضور داشت که هیچگاهی بیرون نمی رفت اما همیشه در اطراف یک باغ کوچک قدم می زد. آن افسر سی آی ای به آن مرد قد بلند، اسم قدم زنده را گذاشته بود و برای اوباما گفت او فکر می کند که آن مرد بن لادن است.

اوباما می گوید، من هزاران پرسش داشتم اما مهمترین آن این بود که ما چی کار دیگری انجام داده می توانیم تا مطمئن شویم که آن مرد، بن لادن است؟ آن افسر سی آی ای به جواب اوباما گفت، او خوشبین نیست که کاری بهتر

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

برای تشخیص آن مرد ممکن باشد. او با ما از آن افسر دوباره می پرسد، قضاوت خودت در مورد آن مرد چیست؟ او جواب می دهد که احتمال قوی وجود دارد که آن مرد بن لادن باشد اما او صد درصد مطمئن نیست. او با ما می نویسد، طبق معلومات که برایم دادند، من تصمیم گرفتم که ما معلومات کافی برای انجام یک حمله بالای آن خانه داریم. در حالیکه سی ای ای پیرامون شناسایی آن مرد کار می کرد، من از تام دونلین و جان برینن پرسیدم که آنها دریابند که انجام یک حمله ناگهانی بالای آن خانه چگونه خواهد بود؟ بخاطریکه موضوع بسیار حساس بود و اندکترین افشاگری آن فرصت تاریخی را نابود می کرد، تنها یک تعداد انگشت شمار از آن موضوع و جریان حمله بالای آن خانه در سطح دولت آمریکا آگاه بودند. ما یک محدودیت دیگر هم داشتیم و آن اینکه هر کاری که انجام دهیم، پاکستان را در جریان قرار نمی دهیم. او با ما می نویسد، پاکستان ضمن آنکه ما را در امر مبارزه با تروریسم در افغانستان کمک می کرد اما سازمان استخباراتی آن با طالبان و حتی القاعده رابطه داشتند و بعضی وقت آنها را بسیار هدفمندانه استفاده می کردند تا حکومت افغانستان ضعیف نگهدارد. واقعیت امر این بود که ایبت آباد تنها چند مایل از یکی از کمپ های نظامی پاکستان فاصله داشت و امکان آن وجود داشت که اگر ما هر معلومات را با پاکستان شریک می ساختیم، آنها هدف ما را خنثی می کردند.

او با ما در ادامه این فصل می نویسد، ما دو گزینه داشتیم. اول اینکه آن خانه را توسط موشک هدف قرار می دادیم اما چند ملاحظه داشتیم. اگر آن خانه را هدف موشک قرار می دادیم، چگونه مطمئن می شدیم که بن لادن در آنجا بود؟ اگر القاعده کشته شدن بن لادن را رد می کرد، ما چگونه کشتن شدن او را تشریح می توانستیم؟ همچنان، در آن خانه ۵ خانم و ۲۰ طفل زندگی می کردند. اگر آن خانه را توسط موشک هدف قرار می دادیم، چندین خانه دیگر نیز تخریب می شد. او با ما می گوید، من در جریان آن جلسه به معاون ستاد ارتش گفتم که من اجازه حمله موشکی را نمی دهم که ۳۰ یا بیشتر از ۳۰ تن را در آن خانه نابود کنیم و مطمئن هم نباشیم که بن لادن در آن جا است. گزینه دوم انجام یک عملیات خاص بود که باید یک تعداد مشخص از نیروهای خاص از طریق هلیکوپتر به آن خانه می رفتند و قبل از رسیدن پولیس پاکستان، عملیات را انجام می دادند. چون انجام آن عملیات خاص بسیار مهم بود، مکرفان فرمانده عملیات های خاص وزارت دفاع جریان آن عملیات را برایم توضیح داد. او با ما با تحسین از تجربه و تخصص مکرفان می نویسد که او صلاحیت های خاص برای طرح عملیات خاص بالای آن خانه را برایش داد. در جریان نشست ماه مارچ مان، مکرفان طرح عملیات را برایم تشریح کرد و گفت یک تیم مشخص از نیروهای سیل توسط یک یا دو هلیکوپتر در تاریکی شب از ولایت جلال آباد افغانستان به ایبت آباد سفر کند و در داخل محوطه آن خانه نشست نمایند. آنها در قدم نخست تمام دروازه ها و کلکین ها را تحت پوشش قرار بدهند، بعد داخل آن خانه شوند و بن لادن را یا دستگیر و یا به قتل برسانند و جسد او را گرفته دوباره به پایگاه نظامی جلال آباد سفر کنند. دو هفته بعد در ۲۹ ماه مارچ، ما دوباره در اطاق وضعیت واقع کاخ سفید باهم جمع شدیم و مکرفان برایم راپور داد که او مطمئن است که عملیات را انجام داده می تواند و قبل از آنکه نیروهای پاکستانی به محل برسند، نیروهای خاص از آنجا بیرون خواهند شد. او با ما تذکر می دهد، ما تمام موارد را ارزیابی کردیم که اگر در جریان حمله، نیروهای پاکستانی مداخله کنند، یا در راه رفت یا برگشت هلیکوپتر ها را هدف قرار بدهند و یا اگر عملیات خاص بیشتر از وقت تعیین شده طول بکشد، چی اتفاق خواهد افتاد. مکرفان توضیح داد که اگر نیروهای پاکستان در محل رسیدند و یا ممانعت کردند، تیم او خانه را تحت تسلط قرار خواهد داد و دیپلمات ها فوراً از طریق مذاکره راه بیرون رفت را پیدا خواهند کرد. قبل از آنکه جلسه را ختم کنیم، یک گزینه دیگر نیز اضافه شد و آنکه اینکه زمانیکه آن مرد قد بلند در

اطراف باغ کوچک در داخل آن خانه قدم می‌زند، ما یک موشک ۱۳ پوندی را بالایش پرتاب کنیم. با گذشت هر روز، تعدادی بیشتر از طرح عملیات خاص آگاه می‌شدند. سر انجام مکرفان برایم گفت آیا تصمیم انجام عملیات را می‌گیرم، برایش گفتم من آماده نیستم که تصمیم ام را بگیرم و یک گزینه را از میان سه گزینه انتخاب کنم. در ادامه، اوباما می‌نویسد که او برای محرم نگهداشتن طرح عملیات خاص بالای آن خانه در ایبیت آباد، تمام امورات کاری اش را طبق معمول اجرا می‌کرد، در نشست‌ها و مجالس رسمی و غیر رسمی اشتراک می‌نمود تا کسی متوجه نشود که ذهن او در کجا و پیرامون کدام طرح مهم مصروف است. او می‌نویسد، روز بعدی به اطاق وضعیت برگشتم و برای بار آخر طرح عملیات خاص را مرور کردم و برای مکرفان دستور دادم که نیروهای خاص را در افغانستان آماده بسازد. نیروهای خاص در ولایت جلال آباد منتظر دستور انجام عملیات بودند. بخاطریکه معلومات دقیق شود، لیون پنیتا و معاون او از رئیس مبارزه با تروریسم سی‌ای ای یکبار دیگر پرسیدند که چقدر مطمئن است که آن مرد قد بلند بن لادن است؟ رئیس بخش مبارزه با تروریسم جواب داد، ۴۰ تا ۶۰ درصد. من برای مکرفان گفتم این موضوع ۵۰ در ۵۰ است اما باید دست بکار شویم. مکرفان از آمادگی کامل تیم خود خبر داد و تیم دومی از جابجایی موشک ۱۳ پوندی اطلاع داد که آماده و منتظر دستور رئیس جمهور است. اوباما می‌نویسد، برای بار آخر از اعضای جلسه پرسیدم که به نظر آنها کدام گزینه بهتر است عملیات خاص یا استفاده از موشک؟ لیون پنیتا، معاون او تعداد دیگری انجام عملیات خاص را ترجیح دادند اما هیلاری کلینتون بیشتر نگران عواقب عملیات بود اما سر انجام او هم با انجام عملیات خاص هم نظر شد. اوباما دیدگاه مخالفان عملیات خاص را هم شنید و برای آنها گفت، فردا صبح تصمیم خود را خواهد گرفت. اوباما با توضیح برنامه‌های کاری اش، در مورد صبح روز جمعه ۲۹ ماه اپریل می‌نویسد، او رسماً به مکرفان اجازه انجام عملیات را داد و برایش گفت او صلاحیت دارد تا زمان انجام آن را خودش تصمیم بگیرد. اوباما می‌نویسد، بعد از آن تصمیم، کارهای زیادی انجام داد و در برنامه‌های مختلف اشتراک نمود تا ذهن او مصروف باشد و بیشتر در مورد عملیات خاص فکر نکند. در ختم روز کاری، اوباما با مکرفان تماس تلفونی می‌گیرد و مکرفان برایش می‌گوید که بخاطر هوای نامناسب در پاکستان، عملیات را تا یکشنبه شب به تعویق انداخته اما تمام آمادگی‌های لازم گرفته شده و تیم نیز آماده عملیات اند. اوباما ادامه می‌دهد، صبح روز بعد قبل از آنکه زنگ صبحگاهی کاخ سفید به صدا در آید، او بیدار می‌شود و برنامه‌های ویست وینگ کاخ سفید را لغو می‌کند چون جلسات بسیار مهم در آن روز صورت می‌گیرد. اوباما الی تاریک شدن هوا در پاکستان، بعضی کارهای دیگری انجام می‌دهد اما حین برگشت به اطاق خاص، می‌بیند که مقامات ارشد دخیل در عملیات در آن اطاق حضور دارند. اوباما برای تام می‌گوید که وقتیکه هلیکوپتر ها پرواز کرد، برایش احوال بدهند. ساعت ۲ بعد از ظهر به وقت واشنگتن، دو هلیکوپتر مشخص شده با ۲۳ تن از نیروهای خاص و یک ترجمان سی‌ای ای پاکستانی الاصل آمریکایی و یک سگ نظامی از جلال آباد به سوی ایبیت آباد پاکستان حرکت کردند. آنها ۹۰ دقیقه وقت نیاز داشتند تا به ایبیت آباد برسند. من از اطاق نشیمن به اطاق وضعیت رفتم و آن اطاق کاملاً شکل اطاق جنگ را بخود گرفته بود. لیون پنیتا در خط ویدیو کنفرانس با مکرفان بود که او در جلال آباد فرماندهی حمله را به عهده داشت. در آن اطاق، جو، هیلاری، پنیتا، مایک، گیتس، مولن و برخی دیگری از دست اندرکاران امنیت ملی حضور داشتند و اوباما پلان بعد از حمله را دریافت کرد که در صورت پیروزی یا ناکام شدن عملیات، با پاکستان و سایر کشورهای جهان تماس بگیرند. پلان طوری طرح شده بود که اگر بن لادن کشته شود، جنازه او باید در بحر انداخته شود و از ایجاد یک زیارت برای

د پانو شمیره: له 3 تر5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولی

اسلام گرایان افراطی جلوگیری گردد. اوپاما در حالیکه نگران می باشد، دوباره اطاق وضعیت را ترک می کند اما ساعت تقریباً ۳ و نیم، لیون پنینتا اطلاع می دهد که هلیکوپترها به محل نزدیک شده اند. برنامه طوری بود که اوپاما باید غیر مستقیم از جریان عملیات و آن هم از طریق لیون پنینتا مطلع می شد چون تماس مستقیم اوپاما با مکرفان باعث می شد که او همه چیز را در کنترل خود داشته باشد و آن کار از نظر اوپاما یک کار ناپسند و یک مشکل سیاسی بود. اوپاما می نویسد که آن روز اولین بار بود که به عنوان رئیس جمهور، جریان یک عملیات خاص را به طور زنده تماشا می کرد. ناگهان، مکرفان صدا می کند که یک هلیکوپتر با دیوار خانه مورد نظر تصادم کرده و اوپاما با شنیدن آن خبر، شوک الکتریکی را حس کرده است. فوراً مکرفان صدا می کند که همه چیز خوب خواهد شد و پیلوت مجرب هلیکوپتر را نشست خواهد داد.

اوپاما می نویسد، سر انجام عملیات آغاز می یابد و او از طریق ویدیو تماشا می کند که تیم خاص عملیاتی چگونه در ظرف ۲۰ دقیقه اطاق به اطاق می روند و سر انجام آنچه که ماه ها برای آن طرح ریزی کردند و سالها در مورد آن اطلاع جمع نمودند و آنچه که اوپاما بی صبرانه در انتظار شنیدن آن بود، همزمان صدای لیون پنینتا و مکرفان را می شنود که می گویند جیرونیمو کشته شد. یعنی دشمن کشته شد! نام مستعار بن لادن در آن عملیات جیرونیمو می باشد. اوپاما می گوید که در آن لحظات در مورد حملات یازدهم سپتمبر فکر می کرد و با خود می گفت، ما او را گرفتیم کسی که قاتل هزاران آمریکایی بود. در جریان ۲۰ دقیقه دیگر هیچ کسی در اطاق وضعیت از جایش شور نخورد و در آن خانه در ایبیت آباد نیروهای خاص جسد بن لادن را در خریطه پیچاندند، سه خانم و ۹ طفل را محفوظ و مورد پرسش قرار دادند، کمپیوتر ها، اسناد و سایر وسایل را جمع کردند، مواد انفجاری را در هلیکوپتر که حادثه کرده بود، جابجا کردند تا آنرا منفجر نمایند و هلیکوپتر دیگری که برای انتقال آنها آماده شده بود، از محل دور شدند. سپس، جو دستان خود را روی شانه های اوپاما گذاشت و برایش گفت تبریک باشد رئیس! اوپاما می نویسد، با تمام اعضای تیم در آن طاق دست داد اما تا زمانیکه هلیکوپترها در فضای پاکستان در پرواز بودند، خیال راحت نداشت.

اوپاما می نویسد، ساعت ۶ هلیکوپتر ها به جلال آباد رسیدند و من نیز نفس آرام کشیدم. سپس از طریق یک ویدیو کنفرانس، مکرفان تشریح می داد که او به جسد نگاه می کند و مطمئن است که بن لادن را کشته است. سافت ویر یا پروگرام تشخیص چهره متعلق به سی آی ای نیز تشخیص داد که جسد از بن لادن است. برای تصدیق آن، مکرفان دو عضو تیم را که ۶ فیت قد داشتند را در کنار جسد بن لادن خواباند تا تثبیت کند که جسد از بن لادن و قد او نیز واقعی است. اوپاما به طور شوخی آمیز به مکرفان می گوید، با این همه آمادگی ها یک متر همراهیت نبرده بودی که قد بن لادن را اندازه می کردی؟ سپس لیون پنینتا و مکرفان گفتند بخاطر حصول اطمینان، آنها باید جسد را تست دی ان ای کنند تا ثابت شود که جسد از بن لادن است اما آن کار یک یا دو روز طول می کشید.

در پایان، اوپاما از چگونگی تماس ها با پاکستان، انگلستان و سایر کشورها می نویسد و از جریان سخنرانی رسمی خود برای ملت آمریکا که چگونه قاتل هزاران آمریکایی را در ایبیت آباد پاکستان به قتل رسانده است. نهایتاً، اوپاما به ایالت کینتاکی می رود و طی ملاقات بسیار گرم با مکرفان و اعضای تیم خاص، ضمن تشکری، به آنها بلند ترین تحایف معنوی را تقدیم می کند. متقابلاً، نیروهای خاص که عملیات کشتن بن لادن شرکت نموده بودند، یک بیرق آمریکا را که باخود به ایبیت آباد برده بودند و سپس در عقب آن همه آنها امضا نموده بودند را به اوپاما تحفه می دهند. نکته دیگری که اوپاما در این فصل از کتاب خود به آن اشاره کرده اینست که او اجازه نشر تصاویر بن لادن را نداده و از تیم عملیاتی نیز نپرسیده است که کدام یکی آنها بالای بن لادن شلیک کرده است .

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

---

د پاڼو شمېره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ